

## سخن نخست

«عیش بگفتی، حسنش نیز بگو!» ضرب‌المثلی است که فرامی‌خواندمان به اعتدال و انصاف. در شماره‌ی پیشین تا آنجا که کوتاه سخن نخست می‌توانست بار این معنی را به دوش بکشد، در نیکویی‌های «پژوهش‌نامه‌های آزاد» داد سخن دادیم چنان که گویی بهاری رسیده است بی‌خار و از این پس بارانی از دانش بر مردمان می‌بارد، بی‌هیچ چشمداستی و هیچ گرفتاری‌ای. به رسم انصاف به فکر افتادیم ضرب‌المثل نخستین را واژگون بازخوانیم زیرا که هرگز عیش نگفته بودیم و واهمه کردیم که پیش و بیش از هر کس امر بر خودمان مشتبه شود که نکند در این راه هیچ عیبی نیست و همه حسن است. از آنجا که دیرگاهی است به هیچ راه «همه حسن»ی باور نداریم ناگزیر ضرب‌المثل را خواندیم «حسنش بگفتی، عیش نیز بگو».

بگذارید این بار هم مانند شماره‌ی گذشته با گفته‌ای از همکاران پیشکسوت‌مان آغاز کنیم، از روزنوشت «استادان علیه تقلب». ماجرا از آنجا شروع شد که بحث‌هایی در مورد اعتبار یک نشریه‌ی علمی در این روزنوشت مطرح شد. در جریان این گفتمان علمی برخی از معیارهایی که همکاران دیگر ما در بخش‌های دیگر به‌ویژه علوم پایه و مهندسی (و البته در جاهای دیگر دنیا نیز) با آن اعتبار یک نشریه را می‌سنجند مطرح شد:

«به نظر ما یک مجله‌ی کم‌ارزش همه‌ی این ویژگی‌ها را دارد: پول خوبی برای چاپ مقالات دریافتی درخواست می‌کند، هیات تحریریه‌ی معروفی ندارد، درصد پذیرش آن بسیار بالاست، زمان پاسخ به ارسال مقالات کوتاه است، داوری‌ها بسیار کوتاه و فاقد بررسی علمی و تخصصی است، داوری معمولاً توسط خود اعضای هیات تحریریه انجام می‌شود، معمولاً مجله عمومی است یعنی در هر زمینه‌ای مقاله می‌پذیرد، ناشر آن معروف نیست، و اکثر نویسندگان آن از کشورهای عرب زبان، ایران، ترکیه، چین و ... هستند.»<sup>۱</sup>

مسائل مربوط به ارزش و اعتبار یک نشریه‌ی علمی و بسیار پیچیده هستند و با تمام راه‌هایی که امروزه در جهان برای کمی کردن چنین اعتباری در نظر گرفته شده -از قبیل نمایه شدن در بعضی نمایه‌سازی‌های معتبر و اندازه‌گیری ضرایب گوناگون-، اما به هر حال راه حتمی و یکسانی ندارد. همین دوستان در جای دیگری نقل می‌کنند که:

«کلیه مقالات این ژورنال را به رایگان می‌شود دانلود کرد! پس ژورنال چگونه سر پاست؟ با هزینه پرداختی توسط نویسندگان مقالات؟ از برخی از نویسندگان؛ ده‌ها مقاله مشابه به چشم می‌خورد! شباهت تنها در نام مقاله نیست، چند تا را دانلود کنید تا به شباهت در متن نیز پی ببرید. برآستی با این همه شباهت، Contribution این مقالات در چیست؟»<sup>۲</sup>

یا باز در مورد همان نشریه می‌خوانیم:

<sup>۱</sup> این نوشته‌ی محمد قدسی است به نشانی:

<http://profs-against-plagiarism.blogspot.com/2008/09/odosi-wasj.html>

<sup>۲</sup> بخشی از نظر یکی از بازدیدکنندگان این روزنوشت با نام «فرامرز آشنایی قاسمی» به نشانی:

[http://profs-against-plagiarism.blogspot.com/2010/12/blog-post\\_28.html](http://profs-against-plagiarism.blogspot.com/2010/12/blog-post_28.html)

«ژورنال مزبور دارای  $IF=1.75$  است. [...] توجه شما را به تعداد کثیر نویسندگان ایرانی آن جلب می‌کنم! و تازه اینکه تقریباً اکثر مقالات را می‌توانید به رایگان دانلود نمایید!»<sup>۳</sup>

اگر به دقت به ایرادهای مطرح شده نظر بیافکنیم خواهیم دید نگرانی‌های اقتصادی، گره خوردن فرآیندهای علمی با بخشی از اخلاق طبقه‌ی متوسط در جهان سرمایه‌داری و همچنین دلمشغولی‌هایی در باب اعتبار علمی مقالات و امکان نادیده گرفتن استانداردها و تقلب در آن‌ها به چشم می‌خورد.

بسیار ساده‌انگارانه است که بپنداریم اکنون نشریات علمی در جهان به دو جبهه بخش شده و مشغول نبرد با یکدیگرند اما باید به یاد داشت که به هر حال اختلاف‌نظرهایی درباره‌ی چگونگی اعتباردهی وجود دارد. از یک سو نشریات با سابقه و اعتبار تثبیت شده و برخی دانشوران استدلال می‌کنند که یکی از دلایل به وجود آمدن نشریات دیگری که دسترسی‌های آزادتر و روش‌های انتشار مقالات سهل‌تری دارند، این است که پژوهشگران کم‌توان نیز بتوانند کارشان را در چنین نشریاتی منتشر سازند. برخی تا آنجا پیش می‌روند که چنین نشریاتی را اصلاً ساخته‌ی یک حلقه یا باند دانشگاهی می‌دانند که می‌خواهند برای خودشان اعتباری درست کنند.

در مقابل چنین استدلال‌هایی پاسخ می‌دهند که پروژه‌هایی مانند **OpenScience** و **Science 2.0** راه حل کار است که در آن نه روند داوری وجود دارد و تبعاً نه بعضی از مسائل اقتصادی به مفهومی که مورد بحث قرار گرفت، بلکه اعتبار از میزان ارجاع حاصل می‌شود. درست در همین نقطه طرفداران شیوه‌های گذشته و کسانی که دل‌نگران صداقت علمی هستند باز وارد صحنه می‌شوند که چنین روش‌هایی چگونه «ارجاع به خود» و «ارجاعات بیهوده» را -که تنها به قصد افزودن بر اعتبار حاصل از ارجاعات به کار گرفته می‌شود- تشخیص می‌دهند.

حال بازگردیم به مسئله‌ی یک نشریه‌ی پژوهشی با «دسترسی آزاد کامل» که در «راه طلایی» گام برمی‌دارد. چنین نشریه‌ای می‌تواند گرفتار انتشار آثار کم‌اهمیت با هدف افزایش ارجاعات شود. از طرف دیگر می‌تواند به محلی اختصاصی برای نشر مقالات شورای نویسندگان تبدیل گردد. چنین نشریه‌ای می‌تواند داوری ضعیفی داشته باشد، اما مسایل مربوط به درآمدها و دریافت حق انتشار از نویسندگان و ... آسیبی به چنین نشریاتی نخواهد رساند چرا که هزینه‌های چنین نشریاتی بسیار اندک است و در مواردی مانند مهرگانی هم چنین هزینه‌هایی به کلی حذف شده‌اند.

فعالیت دانشورانه‌ی موسیقی البته وضعیت بسیار خاصی دارد. بگذارید از تولید مقالات آغاز کنیم؛ بخش اعظم تولید مقالات علمی در چند نشریه فارسی‌زبان<sup>۴</sup> توسط شورای نویسندگان صورت می‌گیرد یا در مواردی دانشجویانی که تحت نظر اعضای شورا پایان‌نامه‌هاشان را می‌نویسند. داوری به مفهوم متعارف شاید در هیچ یک از این نظریات جز مهرگانی مطرح نباشد و اگر هم هست به احتمال زیاد توسط اعضای شورا صورت می‌گیرد. آشکار است که ارزش و اعتبار نشریات علمی از توانایی‌های جامعه‌ی علمی برمی‌خیزد. برای مثال وقتی که ما در برخی از زیررشته‌ها تنها یک پژوهشگر فعال یا نیمه‌فعال داریم و در برخی اصلاً هیچ، و تا زمانی که سرجمع تولید مقالات مان به زبان انگلیسی به زحمت به تعداد انگشتان یک دست در سال می‌رسد، بدیهی است که نمی‌توانیم برای هر مقاله پنج داور داشته باشیم. حال که

<sup>۳</sup> بخش‌هایی از درخواست «فراز آشنایی قاسمی» برای اظهار نظر همکاران در مورد یک نشریه‌ی پژوهشی به نشانی:

[http://profs-against-plagiarism.blogspot.com/2010/12/blog-post\\_28.html](http://profs-against-plagiarism.blogspot.com/2010/12/blog-post_28.html)

<sup>۴</sup> در اینجا منظور نشریاتی است که با رویکردی پژوهشی تنها به موسیقی بپردازند.

کل مقالات رسیده به یک نشریه علمی به طور متوسط کمتر از نیمی از مقالات منتشر شده در هر شماره‌ی آن است، خودبخود نمی‌توان انتظار داشت که شورای نویسندگان نیز در نوشتن سهمی درخور نیابند. پس به گمان ما بسیاری از مسایلی که در حوزه‌های دیگر امکان اجتناب از آنها وجود دارد در مورد ذاتی بوده و بسیاری اوقات قابلیت طرح ندارند. اکنون این پرسش پیش می‌آید که اگر میزان این فعالیت‌ها تا این اندک است چرا اصلاً نشریه‌های برای انتشار نتایج آنها به‌وجود بیاید؟ در اینجا تنها یک راه برای پاسخ دادن می‌ماند که ما از شماره‌ی نخست بر آن پای فشرده‌ایم؛ امید به بهبود شرایط از طریق همین تجربه‌های انباشته شده. مقالات ما پربار و با اعتبار نخواهند شد مگر در این راه برویم و مشکلاتش را تجربه کنیم و البته برطرفشان سازیم. از همین روست که بحث‌هایی در اینجا مطرح می‌شود که به جهت کمبود تولیدات هنوز در مورد فعالیت‌های دانشورانه‌ی موسیقایی در ایران هنوز مصداق چندانی ندارد، اما مطرح کردنشان لااقل این نفع را دارد که ما را با آسیب‌های راه آشنا کند.

نکاتی که در اینجا گفته شد نباید ما را به این خطا و تنبلی ذهنی دچار کند که چون وضعیت این است ما هم حق داریم که نشریات کم اعتبار یا حتا بی‌اعتبار در اختیار خوانندگان گذاشته و همین باریکه جوی دانشورانه را نیز مسموم کنیم، بلکه باید ما را به کار بیشتر و تلاشی فراوان برای رفع همان نقایص وادارد.

یاران مهرگانی:

نرگس ذاکر جعفری

آروین صداقت‌کیش

مهشید فراهانی